Original Article Open Access



Child Rights Journal

2024; 6(21): 35-48

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

The Interaction of Social Justice and Criminal Justice through Active and Reactive Policies; with Emphasis on Guaranteeing the Differential Rights of Children and Adolescents

Seyed Ali Reza Mirkamali[1]*, Amin Alizadeh[2], Mehrab Ahmadi[3]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Department of Criminal Law and Criminology, Roshdieh Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Juvenile delinquency is considered one of the most important concerns of criminal justice systems in the world. Prevention of this phenomenon is on the agenda of international and national activists within the criminal justice system. Social justice as the most influential factor in preventing juvenile delinquency encompasses components such as equal opportunities, fair distribution of wealth, dignified behavior with people, and structuring of social institutions, especially the family institution.

Method: This research was done with a descriptive-analytical method.

Results: The realization of social justice has a significant impact on the prevention of delinquency among children and adolescents, and the above-mentioned and subordinate documents, especially the Constitution and the 7th Development Plan, have emphasized the necessity of realizing the indicators of social justice.

Conclusion: This study, while establishing an analytical positive correlation between social justice and the prevention of juvenile delinquency, emphasizes that social justice is not limited to proactive prevention. Rather, at the reactive stage, in order to prevent recidivism, differential responses and specialized judicial procedures for juvenile offenders must be considered. This approach is regarded as an integral part of a social justice framework based on respectful and dignity-oriented treatment of them. Moreover, to prevent delinquency, necessary criminal protections for children must be implemented in a way that fully guarantees their fundamental rights, including the right to education and schooling. Although various laws have addressed this issue by employing a differential criminal policy, these regulations face practical challenges, which the present study examines in detail.

Keywords: Delinquency; Social Justice; Family; Children and Adolescents; Prevention and Response; Right to Education

Corresponding Author: Seyed Alireza Mirkamali; **Email:** amirkamali@sbu.ac.ir

Received: August 20, 2023; **Accepted:** December 02, 2023

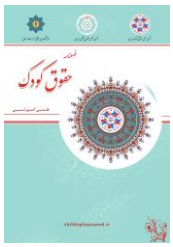
Please cite this article as:

Mirkamali SAR, Alizadeh A, Ahmadi M. The Interaction of Social Justice and Criminal Justice through Active and Reactive Policies; with Emphasis on Guaranteeing the Differential Rights of Children and Adolescents. Child Rights Journal. 2024; 6(21): 35-48.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌ویکم، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۴۸-۳۵

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

تعامل عدالت اجتماعی و عدالت کیفری با تأکید بر تضمین حق‌های افتراقی کودکان و نوجوانان

سیدعلیرضا میرکمالی[1]*، امین علی‌زاده[2]، محراب احمدی[3]

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوق کیفری در جهان محسوب می‌گردد. پیشگیری از این پدیده در دستور کار کنشگران بین‌المللی و ملی سیستم عدالت کیفری قرار گرفته است. عدالت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مقوله تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، از مؤلفه‌های برابری فرصت‌ها، توزیع عادلانه ثروت، رفتار کرامت‌مدار با انسان‌ها و ساختارمندنمودن نهادهای اجتماعی علی‌الخصوص نهاد خانواده تبعیت می‌کند.

روش: این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: تحقق عدالت اجتماعی تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان دارد و اسناد فرادستی و فرودستی به ویژه قانون اساسی و برنامه هفتم توسعه بر ضرورت تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی تأکید نموده‌اند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش ضمن برقراریِ تحلیل‌مند ارتباط مثبت بین عدالت اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بر این نکته تأکید دارد که عدالت اجتماعی تنها به پیشگیری کنشی محدود نمی‌شود، بلکه در مرحله واکنشی نیز، برای جلوگیری از تکرار جرم، باید پاسخ‌های متفاوت و شیوه‌های دادرسی ویژه برای نوجوانان بزهکار در نظر گرفته شود. این رویکرد، بخش جدایی‌ناپذیرِ عدالت اجتماعیِ مبتنی بر رفتار احترام‌آمیز و کرامت‌محور با آنان تلقی می‌گردد. از سوی دیگر، برای پیشگیری از بزهکاری، حمایت‌های کیفری لازم از کودکان باید به گونه‌ای انجام شود که حقوق اساسی آنان، از جمله حق بر آموزش و تحصیل به طور کامل تضمین گردد، اگرچه قوانین مختلف با بهره‌گیری از سیاست جنایی افتراقی به این موضوع پرداخته‌اند، اما این مقررات با چالش‌های عملی رو به رو هستند که پژوهش حاضر به تفصیل به بررسی آن‌ها می‌پردازد.

واژگان کلیدی: بزهکاری؛ عدالت اجتماعی؛ خانواده؛ اطفال و نوجوان؛ پیشگیری کنشی و واکنشی؛ حق بر آموزش و تحصیل

نویسنده مسئول: سیدعلیرضا میرکمالی؛ **پست الکترونیک:** amirkamali@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mirkamali SAR, Alizadeh A, Ahmadi M. The Interaction of Social Justice and Criminal Justice through Active and Reactive Policies; with Emphasis on Guaranteeing the Differential Rights of Children and Adolescents. Child Rights Journal. 2024; 6(21): 35-48.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث مورد توجه جرم‌شناسان و سیاستگذاران جوامع مترقی، بزهکاری نوجوانان است. زیرا نتیجه تحقیقات جنایی نشان داده تمایل به ارتکاب جرم در بیشتر مجرمان بزرگسال ریشه در دوران کودکی دارد؛ دورانی که خصوصیات اخلاقی و رفتاری انسان در آن شکل می‌گیرد. تغییر شخصیت افراد پس از نوجوانی به ندرت و با دشواری میسر است. مجرم امروز اغلب بزه‌دیده دیروز بوده است. از این رو تلاش برای پیشگیری از بزهکاری در کودکان و نوجوانان در چشم‌اندازی بلندمدت دستاوردهایی بزرگ به همراه خواهد داشت. برای نیل به این هدف، باید دلایل این پدیده را شناخت و در جهت حل آن قدم برداشت. اگر با دیدی جامعه‌شناسانه به این پدیده نگریسته شود، بزهکاری را می‌توان به منزله یک بیماری اجتماعی تلقی نمود که باید معالجه شود. مسلماً برای مبارزه با هر مرضی باید ابتدا آن را شناخت و به زمینه‌های پیدایش آن پی‌برد، سپس بیمار را نجات داد و از بروز دوباره این عارضه پیشگیری نمود. چنانچه بزهکاری یک عارضه و آسیب اجتماعی تلقی شود، «قشر نوجوان» به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در معرض ابتلا به این عارضه هستند یا به نوعی از آن دچار شده‌اند. بررسی علت‌ها سبب می‌شود که مسئولین مربوط، به چگونگی شکل‌گیری اعمال نابهنجار شناخت پیدا کنند، آنگاه شیوه‌های صحیح و مناسب مبارزه با آن‌ها را جستجو نمایند، لذا این‌گونه مطالعات و تحقیقات ضرورت می‌یابند تا کج‌روی‌ها و جرایم بهتر و عمیق‌تر شناخته شود، منشأ آن‌ها کشف گردد و بالاخره راه‌های اصلاح و بازپروری بزهکاران هموار شود (۱). این قبیل کاوش‌هاست که امکان پیشگیری از ابتلا به انحراف و سقوط استعدادها را در نیروهای انسانی بالقوه جامعه، فراهم می‌سازد و خانواده و دولت و حال و آینده کشور از خسارات مادی و معنوی فراوانی رهایی می‌یابند.

بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوق کیفری در جهان محسوب می‌گردد و پیشگیری از این پدیده در دستور کار کنشگران بین‌المللی و ملی سیستم عدالت کیفری قرار گرفته است. عدالت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مقوله تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، از مؤلفه‌های برابری فرصت‌ها، توزیع عادلانه ثروت، رفتار کرامت‌مدار با انسان‌ها و ساختارمندنمودن نهادهای اجتماعی علی‌الخصوص نهاد خانواده تبعیت می‌کند. این پژوهش تعامل عدالت اجتماعی را با عدالت کیفری مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد داد.

روش

برای نیل به مقصود مطلوب در این پژوهش و به منظور پاسخگویی به سؤالات مطروحه، منابع و ماخذ متعددی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. نوع پژوهش، کاربردی و روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آن‌ها و از طریق فیشبرداری و گردآوری انجام گرفته است. از اهم منابع مورد بررسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ کتب نگارش‌یافته در زمینه‌های مرتبط به زبان فارسی و انگلیسی؛

۲ـ مقالات منتشرشده در مجلات معتبر داخلی و خارجی؛

۳ـ پایان‌نامه‌هایی که به نوعی اشاره به این موضوع داشته یا با عنوان مشابه به بررسی امر پرداخته و در دانشگاه‌ها و کتابخانه ملی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

یافته‌ها

۱. مفاهیم پژوهش: در این مبحث به بحث و بررسی درباره مفاهیم حاکم بر پژوهش پرداخته شده است.

۱-۱. عدالت اجتماعی و مؤلفه‌های آن: ریشه واژه «عدل» به معنای راست‌کردن، برابرکردن و تقسیم به دو قسمت مساوی است (مانند گردانیدن و انصاف‌دادن). عدل به معنی داد، مساوی و همتا نیز به کار رفته است (۲). عدالت در فارسی به سه معنی آمده است: ۱ـ دادستان، دادگری؛ ۲ـ میانجیگری، دادمندی یا انصاف؛ ۳ـ برابری (۳). معادل این واژه در انگلیسی Equity و Justice و در زبان فرانسوی Equité و Justice است (۴). محمد معین عدالت را معادل دادکردن، دادگربودن و انصاف‌داشتن می‌داند و عدالت اجتماعی را عدالتی تعریف می‌کند که همه افراد جامعه از آن بهره‌مند باشند (۵). عدالت از نگاه افلاطون عبارت است از رعایت حدود. در زبان یونانی عدالت به معنای مجموع محسنات است. در کتاب جمهور، اثر افلاطون، لغت یونانی دیکاین که به ناچار به عدل یا عدالت ترجمه شده است، دارای معنی وسیع‌تری است، از جمله راستگویی، درستکاری، انجام وظیفه، رعایت حقوق دیگران، حق‌شناسی، انصاف و خلاصه حسن اخلاق به وسیع‌ترین معنی کلمه. عدالت که در لغت به معنای اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است، در جوامع بشری هم عبارت است از افرادی که هسته اصلی اجتماع را تشکیل می‌دهند و آنان همان افراد متوسط‌الحالند که در حقیقت به منزله جوهره ذات اجتماعند و همه ترکیب و تألیف‌های اجتماعی روی آنان دور می‌زند (۶). استاد علامه طباطبایی اصول اخلاق فاضله را چهار چیز می‌داند: ۱ـ عفت؛ ۲ـ شجاعت؛ ۳ـ حکمت؛ ۴ـ عدالت و منظورش از عدالت آن است که حق هر قوه‌ای را در جای خودش مصرف کنی که دو طرف افراط و تفریط است. به بیان دیگر عدالت به معنای دوری از ستمگری و ستم‌کشی است (۶).

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: عدالت اجتماعی، یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد بر اساس کار و امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی، یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (۷).

به طور کلی عدالت یک امر ذهنی است و هر فرد باید از حق دستیابی به نیازهای اساسی حیاتی بهره‌مند باشد. غالباً در برابر عدالت اجتماعی، بی‌عدالتی قرار می‌گیرد که دارای پنج خصیصه به شرح زیر است:

۱ـ بهره‌کشی گروهی از گروه دیگر؛

۲ـ حاشیه‌ای‌شدن (طرد گروهی معین مانند معلولین، زنان و...)؛

۳ـ فقدان قدرت در گروهی از مردم؛

۴ـ سلطه فرهنگی گروهی بر گروه دیگر؛

۵ـ اعمال خشونت (۸).

۱-۱-۱. تضمین برابری عدالت‌مدار در زمینه حقوق و فرصت‌ها: مساوات و برابری در لغت مترادف یکدیگرند. در اصطلاح، برابری اصلی از اصول حقوق عمومی به شمار می‌رود که به موجب آن، همه مردم صرف نظر از جنس، طبقه، مذهب، ثروت و شغل باید از حقوق و تکالیف مساوی برخوردار باشند و مراد از مساوات، برابری همه افراد در استفاده از موهبت‌ها و نعمت‌های الهی و مزیت‌های اجتماعی است و وظیفه قانونگذار در هر جامعه‌ای این است که امکانات و تسهیلات طبیعی،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکسان را در اختیار همه قرار دهد.

در غرب، آتنی‌ها نخستین مردمی بودند که در قرن چهارم پیش از میلاد به این مفهوم پرداختند. افلاطون بر مبنای سلسله‌مراتب طبیعی موجود، برابری را در دو شکل برابری هندسی و برابری حسابی مطرح نمود. ارسطو نیز برای نخستین‌بار مفهوم برابری سیاسی را به کار برد، بدین‌معنا که تمامی شهروندان می‌توانند در کار حکومت شرکت نمایند، سپس در حقوق رم، برابری در مقابل قانون به وجود آمد، بدون اینکه به مفهوم مشارکت سیاسی اشاره شود. در دیدگاه مسیحیت نیز، بر این مفهوم تأکید گردیده است و همه انسان‌ها از آن رو که آفریدگان خدا هستند، همسان تلقی می‌شدند. در واقع ریشه‌های برابری را در فرهنگ غرب می‌توان در این دو منبع یافت که در آن‌ها با یک نگاه آرمانی، برابری وصفی اخلاقی یا حداکثر فلسفی دارد و کمتر در دنیای حقوق نمود پیدا می‌کند. برای نخستین‌بار در جریان انقلاب کبیر فرانسه این مفهوم فراگیر شد و در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ نمود یافت. با وجود آنکه این مفهوم در یک سند حقوقی مطرح شده بود، ولی تا قرن بیستم، در خود این کشور نیز، به عنوان اصل حقوقی رسمیت نیافت. در آثار اندیشمندان غربی نیز افرادی همچون ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau)، در قالب قرارداد اجتماعی مفهوم آرمانی برابری را کنار گذاشته و با یک توصیف واقعی آن را به قلمرو حقوق وارد کردند، زیرا اساس طرح و پذیرش قرارداد اجتماعی، فرض برابری انسان‌هاست و طرفین نابرابر نمی‌توانند با هم وارد قرارداد و توافق پایا شوند. تحولات تاریخی این مفهوم تا عصر حاضر به گونه‌ای پیش رفت که امروزه از منظر حقوق بشری فرض بر این است که انسان‌ها در حیثیت انسانی با هم برابرند، بنابراین در شرایط برابر باید با آن‌ها رفتار برابر شود. در این راستا ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد و دارای حیثیت برابر به دنیا می‌آیند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند» (۹).

تأکید بر برابری انسان‌ها با یکدیگر پیشینه‌ای طولانی دارد، ولی در چند قرن گذشته، به ویژه بعد از انقلاب فرانسه و دوره روشنگری، این اندیشه به نیرویی عمده برای تغییرات اساسی در حقوق عمومی و سیاسی در اروپا و شمال امریکا تبدیل شده و به تدریج بر کشورهای غیر اروپایی نیز اثر گذاشته است. در دهه‌های اخیر، مجامع بین‌المللی، به منظور تأکید بر برابری انسان‌ها با قطع نظر از نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی، مذهب، ثروت، مقام، جنس و جزء این‌ها، چندین مقاوله‌نامه و اعلامیه، تصویب کرده‌اند (۱۰).

در قرآن، حدیث، فقه و آرای دانشمندان مسلمان، نکاتی از جنبه‌های نظری درباره برابری و نیز مواردی از احکام فقهی ناظر به اندیشه برابری دیده می‌شود. یکی از آیاتی که در این‌باره جلب توجه می‌کند، آیه ۱۳ سوره حجرات است که به نصّ آن، تفاوت‌های ظاهری و طبیعی بین انسان‌ها، چه از نظر جنس و چه از نظر نسبت‌های خانوادگی، قبیله‌ای و نژادی، واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن فقط کمک به شناسایی افراد است (وَجَعَلْنا کُم شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا؛ و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید)، لذا این اختلافات نه همسانی جوهری انسان‌ها را نفی می‌کند و نه می‌تواند ملاک ارزش‌گذاری، از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی باشد. به گفته مفسّران، این آیه، به ویژه بر نکوهش فخرفروشی و برتری‌طلبی طبقاتی، نژادی و نَسَبی تأکید کرده است (۱۱).

شهروندان فارغ از ویژگی‌های فردی خویش (نظیر نژاد، جنسیت، مذهب، طبقه اجتماعی و...) باید تحت سیطره

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

نظام حقوقی واحدی قرار گیرند. حکومت مدرن، جامعه‌ای برابر را رهبری می‌کند و اعضای این جامعه باید به گونه‌ای یکسان، مطیع قدرت عمومی باشند. بدیهی است که واسطه این روابط، قانون است که به مثابه خواست عمومی در جامعه حکم‌فرماست. نمود واقعی برابری در عرصه قراردادی، جایی است که شرایط برابر برای همه شهروندان در دستیابی به قراردادهای اداری فراهم گردد. بنابراین تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی شهروندان نمی‌تواند مانعی در دستیابی به قراردادهای دولت تلقی شود. در ایران نیز قانون اساسی در اصول اولیه خود، برابری شهروندان را از جهات خاصی پذیرفته است. بنابراین فرض تبعیض بین شهروندان از حیث نژاد، مذهب، عقیده سیاسی، موقعیت و... پذیرفته‌شده نیست. از آنجا که این امور نه حصری، بلکه تمثیلی است، می‌توان عنوان کرد که در دسترسی به خدمات عمومی که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حق انعقاد و استفاده از قراردادهای استخدامی است، این برابری باید حفظ گردد (۱۲).

۱-۱-۲. توزیع عادلانه منابع: در رویکرد اسلامی، حق برخورداری همگان از فرصت‌ها و بهره‌مندی آحاد جامعه در حد کفاف، دو عنصر اساسی عدالت به معنای «اعطاء کل ذی حق حقه» است. در این چهارچوب، اولین گام برای تحقق عدالت، مقابله با نابرابری اولیه در توزیع فرصت‌ها، منابع و امکانات عمومی (بیت‌المال) به نفع فقرای واقعی و محرومین جامعه اسلامی می‌باشد (۱۳).

۱-۱-۳. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نهادهای اجتماعی: خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی گروه کوچکی است که ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن صمیمت است. اجتماعی‌کردن نسل آینده جزء بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین وظایف خانواده محسوب می‌شود. عدالت اجتماعی به عنوان ارزش حاکم بر همه ارزش‌های اجتماعی (نه هم‌عرض آن‌ها) وظیفه دارد تا همه ارزش‌ها و عناصر حیات اجتماعی را به نحوی جایابی و ساماندهی کند که از مسیر تأمین حوائج مادی در روابطی درست، کمالات انسانی نیز در حد ممکن خود ظهور یابند (منطق جامعه‌سازی و جامعه‌پردازی). رسالت نهاد تربیت و آموزش که در دوران جدید، در قالب نهاد مدرن تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خصوصاً مدرسه تبلور یافته است، ایجاد و رشد شایستگی‌هایی در افراد است که به آن‌ها امکان می‌دهد در حیات اجتماعی، خود را جایابی کنند و مهم‌تر از آن، جامعه خود را بر اساس همان منطق جامعه‌سازی (یعنی عدالت اجتماعی) بسازند.

۱-۲. بزهکاری اطفال و نوجوانان و پیشگیری از آن:

به لحاظ شخصیت پذیرا و در حال پرورش نوجوانان و آمادگی بیشتر این قشر برای اقدام‌های تربیتی، جهت مقابله با بزهکاری آنان باید با اتخاذ تدابیر تربیتی مناسب و درست، شخصیت سالم و متعادلی را در آن‌ها پدید آورد. مسأله بزهکاری اطفال و نوجوانان، از جمله مسائل بغرنج اجتماعی است که دنیای امروز را به خود مشغول داشته است. بیش از یک قرن پیش، یعنی از اواخر قرن نوزدهم، ارتکاب جرم و جنایت از ناحیه کودکان و نوجوانان، در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است. از آن هنگام تاکنون در ممالک مترقی جهان اکثریت محققین، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و متخصصین تعلیم و تربیت برای یافتن راه حلی جهت جلوگیری از بروز تبهکاری در میان جوانان و نوجوانان جهان در تکاپو بوده‌اند. در حال حاضر، در مطبوعات اکثر کشورهای جهان مسأله بزهکاری خردسالان و لزوم پیشگیری از آن به بحث روز تبدیل شده است (۱۴).

پاسخ به این سؤال که علت بزهکاری کودکان و نوجوانان چیست، همواره توجه متخصصان علوم مختلف، مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی را به خود جلب کرده است، به گونه‌ای که همه‌ساله در سطح بین المللی،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

همایش‌هایی به منظور تبیین چرایی این مسأله تشکیل شده و می‌شود که حاکی از اهمیت مسأله بزهکاری اطفال برای جهانیان است (۱۵).

۲. آسیب‌شناسیِ اجتماعی بزهکاریِ اطفال و نوجوانان (مؤلفه‌های مرتبط با عدالت اجتماعی): در این مبحث علل مرتبط با عدالت اجتماعی و جرم‌شناختی بزهکاری اطفال و نوجوانان و در مبحث بعد راه حل‌های پیشگیرانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱. عامل اقتصادی: تأثیر عدم امکان برخورداری شخص از رفاه و سطح زندگی شایسته بر بزهکاری، از دیرباز مورد توجه جرم‌شناسان بوده است. در این زمینه دو رویکرد وجود دارد: گروهی معتقدند هرچه شرایط اقتصادی و درآمد مردم جامعه بهتر باشد و شاهد شکوفایی وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم باشیم، به همان میزان بزهکاری نیز بیشتر خواهد بود، یعنی ثروت زیاد برابر با افزایش نرخ بزهکاری در جامعه است، اما رویکرد دیگر این است که هر چقدر رکود اقتصادی و وضعیت نامناسب معیشتی مردم در جامعه‌ای نمایان‌تر شود، میزان بزهکاری بیشتر خواهد بود و در واقع رابطه معکوس بین کاهش توان اقتصادی مردم و افزایش نرخ بزهکاری در جامعه وجود دارد (۱۶).

واقعیت این است که فقر و ثروت هر دو به اشکال مختلف می‌توانند در بروز رفتارهای بزهکارانه مؤثر واقع شوند. افلاطون در کتاب جمهور می‌نویسد: «فقر و ثروت، هر دو کشورها را به نابودی می‌کشانند. فقر، عواطف انسانی را می‌خشکاند و احساساتی چون کینه‌توزی، انتقام‌جویی و بدبینی را شدت می‌بخشد. از سوی دیگر، فراوانی ثروت نیز بنیان‌های اخلاقی را سست کرده، سبب تنبلی، بی‌قیدی، غرور و بی‌اعتنایی به دیگران می‌گردد و در نهایت، جامعه را به سوی تباهی می‌راند، چراکه تقوای راستین با ثروت‌های انبوه ناسازگار است» (۱۷).

اصولاً نوع بزهکاری ناشی از ثروت با اَشکال بزهکاری که در اثر فقر رخ می‌دهد، تفاوت دارد. ثروت در وقوع جرائم مالی همچون اختلاس، کلاه‌برداری، خیانت در امانت، سوءاستفاده از اموال دولتی و همچنین تجاوز به حریم اخلاق و عفت عمومی و... می‌تواند مؤثر باشد، زیرا ثروتمند با داشتن توانایی مالی زیاد امکان ارضای هرچه بیشتر تمایلات غیر انسانی خود را داراست و از این رو به طغیان علیه ارزش‌های اخلاقی و انسانی جامعه روی می‌آورد (۱۸).

۲-۱-۱. شرایط نامطلوب اقتصادی خانواده در اثر ضعف عدالت اجتماعی بر مبنای توزیع ناعادلانه: در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم‌ساختن امکان ادامه تحصیل، حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه‌ساز بروز دل‌زدگی، سرخوردگی، ناراحتی‌های روحی، دل‌مشغولی، افسردگی و انزواطلبی را در فرزندان فراهم می‌سازد.

کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند به دلیل شرایط و محدودیت‌های موجود از ایمنی کمتری نسبت به سایر کودکان و نوجوانان برخوردارند. محققان در مطالعه وضعیت اقتصادی خانواده هفده کودک آزاردیده جنسی که به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند، دریافتند که در اکثر موارد به ویژه زمانی که آزار جنسی توسط پدر نسبت به دختر صورت گرفته بود، خانواده کودک، آشفته و در سطح پایین اجتماعی اقتصادی قرار داشت. به طور کلی می‌توان گفت، با ضعیف‌ترشدن وضعیت اقتصادی خانواده میزان گزارش

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

دانش‌آموزان از انواع آزار به طور معناداری افزایش می‌یابد (۱۹).

۲-۱-۲. شغل والدین در خانواده: مطالعاتی که ارتباط بین کودک‌آزاری و شغل والدین را مورد بررسی قرار داده‌اند، اغلب ارتباط معناداری را بین این دو متغیر گزارش کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی در شهر تهران نشان داده است که بین شغل پدر و سوءرفتار عاطفی، جسمی و جنسی، ارتباط آماری معنادار وجود دارد و دانش‌آموزان دارای پدر کارگر بیش از بقیه، انواع آزار را گزارش کرده‌اند. همچنین بین وضعیت اشتغالی مادر و سوءرفتار جسمی و جنسی کودکان ارتباط آماری معنادار مشاهده شده است، یعنی دانش‌آموزانی که مادر شاغل داشتند، گزارش‌های کمتری از سوءرفتار جنسی ارائه دادند (۱۹)، به علاوه مطالعه روی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی شهر تهران، ارتباط معناداری بین شغل والدین و گزارش‌های کودکان از انواع آزار را نشان می‌دهد. به موجب این مطالعات میانگین رتبه انواع آزار در دانش‌آموزانی که مادران غیر شاغل داشتند، بیشتر از کودکانی بود که مادران آن‌ها شاغل بودند.

۲-۱-۳. بیکاری والدین: به رغم وجود بیکاری در آمار همه کشورهای جهان، کار جزء ضروری «وضعیت انسانی» و عنصر لاینفک «حفظ کرامت و شأن انسانی فرد» محسوب می‌شود (ماده ۶ قانون برنامه هفتم توسعه در خصوص اشتغال). کارکردن یکی از حقوق و آزادی‌های بشر است که حمایت‌های خاص خود را می‌طلبد. برای بسیاری از افراد، کار منبع اصلی درآمد است که بقای مادی و جسمی آن‌ها به آن وابسته می‌باشد. کار نه‌تنها برای برخورداری از حقوق اولیه مانند خوراک، پوشاک و مسکن حیاتی است، بلکه بر میزان دسترسی به سایر حقوق، از جمله حق آموزش، حق برخورداری از فرهنگ و حق سلامت نیز تأثیر مستقیم دارد.

اگرچه ابعاد اقتصادی حق کار برای همگان روشن است، اما باید توجه داشت که کار تنها وسیله‌ای برای رفع نیازهای اقتصادی نیست، بلکه یکی از روش‌های بهنجار اجتماعی‌شدن فرد در جامعه محسوب می‌شود که از طریق آن قادر است عزت نفس، حیثیت و شرافت انسانی خود را حفظ نماید و برای خود نقشی سازنده و مفید در جامعه قائل شود. به همین خاطر برخی حق کار را تنها یک حق اقتصادی نمی‌دانند، بلکه آن را یک حق اقتصادی ـ اجتماعی به شمار می‌آورند.

در این‌باره ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از اینکه حق آزادی در کار را می‌پذیرد، دولت‌های عضو را موظف می‌دارد تا اقدامات لازم را برای حفظ این حق معمول دارند. همچنین در ماده ۷ دولت‌ها را موظف به ایجاد شرایط عادلانه و مساعد کار برای همگان می‌کند.

در حقوق داخلی کشور ما نیز بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی بیان می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف‌ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه به کار برد.» علاوه بر آن، اصل ۲۸ با اعلام حق داشتن شغل برای همه افراد، دولت را موظف نموده با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال و شرایط مساوی برای احراز شغل را ایجاد نماید.

اشتغال مفید و داشتن درآمد کافی در برقراری ثبات و استحکام خانواده نقش مهمی ایفا می‌کند و در مقابل، بیکاری و عدم تأمین نیازها زمینه مناسبی را برای ازهم‌پاشیدگی و تزلزل آن فراهم می‌آورد. بدترین حالت در این مورد، بیکاری سرپرست خانواده است که تأثیر منفی زیادی در احساس سرپرستی و مدیریت او در

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

خانواده به وجود می‌آورد. وقتی سرپرست خانواده‌ای بیکار باشد، معمولاً اعضای خانواده ارزش و اعتباری برای او قائل نیستند و چه‌بسا او را به خاطر شرایط بد خانواده مورد شماتت و سرزنش قرار دهند و همین امر باعث بروز انواع خشونت‌های خانگی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت یک فرد بیکار و ناراحت، نماد یک خانواده ناراضی و بی‌اعتماد به جامعه به شمار می‌رود.

از این رو اسناد بین‌المللی مختلفی بر ممنوعیت کار کودکان در برخی از مشاغل تأکید کرده‌اند، از جمله کنوانسیون «بدترین اَشکال کار کودک» مصوب ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار که کشور ما نیز در سال ۱۳۸۰ به آن پیوسته است، به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در چهار گروه از کارها را به عنوان بدترین اَشکال کار ممنوع اعلام کرده است؛ این چهار دسته عبارتند از: ۱ـ بردگی و شیوه‌های مشابه بردگی همچون قاچاق و فروش کودک، بندگی به علت دین و کار اجباری؛ ۲ـ روسپی‌گری، هرزه‌نگاری و اجراهای هرزه‌نگارانه؛ ۳ـ کارهای غیر قانونی مانند تولید و قاچاق مواد مخدر؛ ۴ـ کارهای خطرناک برای سلامت، ایمنی یا اخلاقیات کودک (قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن، مصوب ۱۳۸۰/۰۸/۰۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی).

۲-۲. ساختار خانواده به عنوان نهاد اجتماعی: از دیگر مؤلفه‌های مهم در سوق‌یافتن نوجوانان و جوانان به سمت بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته‌شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است، هرچند در بسیاری از خانواده‌ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین شرایطی، فرزندان به حال خود رها شده و ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانوده صورت می‌گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می‌کند.

خانواده با مؤلفه‌هایی همچون تک‌والدینی، وضعیت اقتصادی، جمعیت و مهاجربودن تعریف می‌شود. خانواده تک‌والدینی به خانواده‌ای اطلاق می‌شود که بر اثر یک رویداد قهری یا غیر قهری به صورت دائم دارای تنها یک والد می‌باشد. خانواده متشکل از گروهی از افراد (دو نفر یا بیشتر) است که روابط خویشاوندی میان آن‌ها برقرار بوده و در مکانی واحد زندگی می‌کنند. در جوامع امروزی این گروه معمولاً از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می‌گردد. به عبارت دیگر خانواده، سازمان یا نهاد اجتماعی مبتنی بر روابط خویشاوندی (سببی و نسبی) است که در همه مکان‌ها و همه زمان‌ها وجود دارد و بدون آن دوام و بقای جامعه میسر نخواهد شد. به عبارت دیگر خانواده نخستین نظام نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه نهادهای اجتماعی طبیعی‌تر و خودی‌تر است. خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی محسوب می‌شود، هسته اصلی جامعه و مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ است. گذشته از این خانواده به جهت نقش اساسی که در شکل‌گیری شخصیت افراد ایفا می‌کند، واجد اهمیت است. روان‌شناسان نشان داده‌اند که در دوران کودکی قابلیت تلقین‌پذیری شخص به مراتب از دوران‌های بعد بیشتر است. به این ترتیب تعلیم و تربیت دوران کودکی در واقع پایه‌های شخصیت را فراهم می‌آورد (۲۰). بر همین اساس خانواده نقش بسیار قابل ملاحظه‌ای در سازندگی شخصیت و سلوک فرد دارد و در حقیقت عامل تعیین‌کننده سرنوشت است.

۳. پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان و عدالت اجتماعی: افزایش نرخ بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان با توجه به تنوع در شکل آن از یکسو و تهدید جامعه از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

طریق ایجاد حس ناامنی از سوی دیگر، ارائه سازوکارهایی برای مهار و پیشگیری از این پدیده‌ها را ضروری می‌سازد. اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در مراحل قبل و بعد از تکوین بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان در چهارچوب پیشگیری کنشی و واکنشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیشگیری کنشی مبتنی بر عدالت اجتماعی درصدد آن است که با شناسایی و سپس حذف و خنثی‌سازی عوامل و موقعیت‌های بزه‌زا و بزه‌دیده‌زایِ مرتبط با عدالت اجتماعی از ورود کودکان به وادی بزهکاری و بزه‌دیدگی جلوگیری کند، در حالی که پیشگیری واکنشی بر ایجاد بینش حمایتی در بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری جهت پیشگیری از تکرار این پدیده‌ها تأکید دارد. به عبارتی دیگر پیشگیری کنشی اقدام مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین‌بردن علل جرم‌زا و نامناسب نشان‌دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم درصدد جلوگیری از رخ‌دادن بزه می‌باشد (۲۱). رهیافت پیشگیری واکنشی، ارعاب‌انگیزی فردی و جمعی و عبرت‌آموزی است تا از بزهکاری نخستین (پیشگیری واکنشی عام) و نیز بزهکاری دوباره افراد (پیشگیری واکنشی خاص) جلوگیری کند (۲۲). در این پژوهش نگرش بر پیشگیری غیر کیفری صرف نیست، چراکه یکی از جلوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان و مبتنی بر عدالت اجتماعی، رفتار کرامت‌مدار با بزهکاران است.

محیط اجتماعی عمومی، در ارتباط با همه افراد جامعه است و دارای آثار مشترکی برای آن‌ها می‌باشد. با توجه به نقش حساس و پراهمیت این محیط بر تکامل شخصیت و واکنش مناسب افراد جامعه، در ابتدا باید برای رفع کمبودها و ضعف‌های موجود در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... همت گماشت. اهتمام به سالم‌سازی محیط اجتماعی و فراهم‌کردن زمینه تحقق آن توسط دولت، اگر به پیشگیری کامل از رفتار مجرمانه نینجامد، دست کم دامنه و اشکال بزه‌دیدگی اطفال را کاهش می‌دهد و این گروه را در برابر رفتارهای معترضانه محافظت خواهد کرد.

در بند ۳۴ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه آمده است: «تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات در رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد از اهداف قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد.»

اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن‌کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی و به عنوان اهداف اقتصادی را مد نظر قرار داده است. اصل ۲۹ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «قانون اساسی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و تأمین نیازهای اساسی اصولی را مقرر نموده است.» همچنین مطابق اصل دهم حمایت از خانواده و تسهیل زندگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و نیز تأمین نیازهای خانواده از جمله وظایف و تعهدات ویژه دولت محسوب می‌شود.

از دیگر موارد زمینه‌ساز بزه‌دیدگی اطفال در جامعه، ضعف‌های سیاسی است. در قانون مجازات جدید با حذف حکم اعدام، طبقه‌بندی مجازات اطفال و نوجوانان و... سعی در کاهش نقص حقوق کودک هستیم. همچنین لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با اتخاذ رویه تشدید مجازات در خصوص مرتکبین جرائم علیه اطفال و نوجوانان، پیشگیری از بزه‌دیدگی و حمایت از اطفال را مورد تأکید قرار داده است.

بنابراین پیشگیری اجتماعی در محیط عمومی از طریق فرهنگ‌سازی مناسب، اجرای سیاست اقتصادی عادلانه در جهت رفع یا کاهش فقر و تأمین امنیت مالی و رفاهی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

خانواده‌ها، ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی و پیش‌بینی راهکارهای مناسب در جهت مبارزه با نقض حقوق کودک در جامعه، سعی در کاهش بزه‌دیدگی این گروه آسیب‌پذیر دارد.

اهمیت محیط شخصی در تربیت و تکامل شخصیت هر فرد حائز اهمیت است، چراکه قبل از ورود به اجتماع بزرگ‌تر، محیط شخصی نظیر خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی نقش تأثیرگذاری دارد. این محیط شامل فضای تولد، رشد و تحول انسان است و در هر شخص ویژگی‌های مختلفی دارد. به عبارت دیگر عوامل محیط اجتماعی هر شخصی با دیگری متفاوت است.

با جلوگیری از ازدواج در سنین پایین، شکل‌دهی شخصیت مناسب پیش از ازدواج، درمان بیماری‌های جسمی یا روانی قبل از ازدواج، آشنایی با مهارت حل مشکلات زناشویی، استفاده از خدمات مشاورین در جهت حل مشکلات خانوادگی و... می‌توان تا حدودی از بروز اختلافات خانوادگی و جدایی که سرمنشأ بسیاری از آسیب‌ها می‌باشد، پیشگیری نمود. همچنین آموزش و افزایش آگاهی و مهارت والدین قبل از اقدام به بارداری، ترک اعتیاد، توجه به بهداشت پیش از بارداری به دلیل تأثیرگذاری بر سلامت جنین، برخورداری مادر و طفل از حمایت و آموزش توسط شخص باتجربه در روزهای ابتدایی تولد فرزند و پیگیری مشکلات روحی نظیر افسردگی پس از زایمان و... می‌تواند نتیجه مثبتی در کاهش بزه‌دیدگی اطفال کم‌سن و سال داشته باشد.

طراحی برنامه‌های بهبود مهارت‌های ضعیف پرورش کودک برای خانواده‌هایی که نحوه برخورد مؤثر و کارآمد با کودکان خود را نمی‌دانند، از جمله اقدامات مؤثر در پیشگیری از بزهکاری کودکان است. در این برنامه‌ها از فنون اصلاح رفتار برای کمک به والدین کودکان اجتماع‌گریز و آموزش روش‌های مراقبت و تربیت صحیح و مناسب بهره گرفته می‌شود (۲۳).

با توجه به اینکه قابلیت هر شهروند آگاه و مسئول برای مطالبه حقوق و برخورداری از آن‌ها مستقیماً به دسترسی هر کودک به تحصیلات اساسی و شایسته مرتبط است، نهاد رسمی که در جامعه وظیفه آموزش فرهنگ، دانش و فنون را بر عهده دارد، آموزش و پرورش است که افراد را در نهادهای کوچک‌تری به نام مدرسه تحت این آموزش‌ها قرار می‌دهد. در اهمیت حق برخورداری هر فرد از آموزش و پرورش همین قدر کافی است که بدانیم میان بی‌سوادی و فقر و محرومیت رابطه مستقیمی وجود دارد. از این رو مهم‌ترین تلاش برای از بین‌بردن فاصله فاحش طبقاتی در جامعه، تصمیم آموزش و پرورش برای تک‌تک افراد می‌باشد. بهتر است امروز برای همه کودکان امکانات تحصیلی اجباری و مجانی را تا سن معین فراهم سازیم تا از بسیاری معضلات اجتماعی در آینده پیشگیری کنیم. اقدامات لازم برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در محیط مدرسه عبارتند از: استفاده از مشاوران باتجربه به منظوری برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه، کلاس‌های تقویتی، شناسایی و توجه به کودکان در معرض خطر، آموزش معلمان و تجدید نظر در برنامه‌ها و محتوای دروس، افزایش برنامه‌های علمی، آموزشی، تفریحی و ورزشی، استفاده از وسایل کمک آموزشی و عملی‌کردن دروس، از جمله بازدید از مراکز صنعتی و تجاری، توجه به استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان، رواج و گسترش اخلاق اسلامی و... (۲۴). در نهایت کنترل جرم در مدرسه وابسته به وضعیت اجتماع و خانواده است. وقتی اجتماعات با تغییراتی مانند افزایش بیکاری و خانواده‌های تک‌والدی مواجه می‌شوند، هم اختلال در مدرسه و هم میزان جرم در جامعه افزایش می‌یابد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

در حوزه پیشگیری‌های کیفری نیز باید چاره‌ای اندیشید. جهانی‌شدن حقوق کیفری به عنوان واقعیتی مسلم در حال تکوین و تحقق است. در این جریان به طور کلی می‌توان دو گرایش عمده را برشمرد: نخست گرایشی آرمان‌گرا که خواستار یکسان‌سازی (Unification) قوانین و مقررات در همه کشورهاست. انتخاب این استراتژی معمولاً با مقاومت حاکمیت دولت‌ها و موانع سیاسی رو به روست. گرایش دوم در پی هماهنگ‌سازی (Harmonization) قوانین است. در این استراتژی، قواعد حقوق داخلی در هر کشور متناسب با نظام داخلی و البته بر مبنای قواعد مشترک جهانی پایه‌ریزی می‌شود.

جهانی‌شدن حقوق کیفری، اصول‌گرایی کیفری کلاسیک را با چالش‌های جدی مواجه ساخت. سزار بکاریا (Cesare Beccaria) و هم‌فکرانش که روزگاری، اصول مطرح‌شده از سوی خود را اصولی دائمی و مطلق فرض می‌کردند، با پیشرفت علوم و تکنولوژی و جهانی‌شدن حقوق کیفری، شاهد ظهور جرائمی فنی و تخصصی بودند که مطلق‌بودن این اصول بکاریایی را مورد تردید قرار داد. یکی از مصادیق این تحول، دادرسی کیفری افتراقی اطفال است. دادرسی کیفری ویژه اطفال مجموعه قواعدی است که در زمینه کشف و تعقیب جرم، تحقیقات مقدماتی و چگونگی دادرسی، باید از بدو تماس طفل و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی تا خاتمه رسیدگی به اتهام وی، به منظور تأمین هدف والای حفظ منافع عالی اطفال و نوجوانان رعایت گردد (۲۵). از این رو تصمیم‌گیران سیاست جنایی با توجه به خصیصه‌های اطفال بزهکار ایجاد تشکیلات ویژه برای پاسخ‌دهی به این دسته را ضروری می‌دانند.

در راستای اصل فردی‌کردن مجازات‌ها و توجه به شخصیت مرتکب، قاضی رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال و نوجوانان برای صدور حکم نیاز دارد تا تحقیقاتی در زمینه وضع خانوادگی، میزان درآمد خانواده و... انجام دهد. اصل فردی‌کردن مجازات‌ها که نقش مؤثری در بازپروری کودکان بزهکار ایفا می‌نماید، در برخی از اسناد بین‌المللی ناظر به کودکان، از جمله پیمان حقوق کودک مورد اشاره واقع شده است. در بخش‌های مختلفی از ماده ۴۰ پیمان مذکور، توجه به منافع عالیه کودک، سن یا وضعیت وی (قسمت سوم از بخش «ب» بند دوم) و تعیین روش متناسب با رفاه و شرایط و جرم آنان (بند چهارم) و نیز انجام تحقیقات و رسیدگی توسط یک قاضی در چهارچوب رعایت مصالح عالیه اطفال مورد تأکید قرار گرفته و برخلاف بزرگسالان که این امر با بی‌طرفی قاضی در تعارض است، در کودکان از اصول راهبردی دادرسی آن‌ها محسوب می‌گردد و در قواعد سازمان ملل متحد برای مدیریت عدالت کیفری جوانان از طریق ماده ۶ نیز مطرح شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث مورد توجه جرم‌شناسان و سیاستگذاران جوامع مترقی، بزهکاری نوجوانان است، زیرا نتیجه تحقیقات جنایی نشان داده تمایل به ارتکاب جرم در بیشتر مجرمان بزرگسال در دوران کودکی به وجود آمده؛ دورانی که خصوصیات اخلاقی و رفتاری انسان‌ها در آن شکل می‌گیرد. تغییر شخصیت افراد پس از نوجوانی به ندرت و با دشواری میسر است. مجرم امروز اغلب بزه‌دیده دیروز بوده است. کوشش برای پیشگیری از بزهکاری در کودکان و نوجوانان در چشم‌اندازی بلندمدت دستاوردهایی بزرگ به ارمغان خواهد آورد که برای نیل به این هدف، باید دلایل این پدیده را شناخت و در جهت حل آن قدم برداشت. یکی از این دلایل مشکلات در راستای عدالت اجتماعی است، در واقع اگر مؤلفه‌های

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

عدالت اجتماعی محقق شود، پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان اتفاق می‌افتد.

عدالت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مقوله تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، از مؤلفه‌های برابری فرصت‌ها، توزیع عادلانه ثروت، رفتار کرامت‌مدار با انسان‌ها و ساختارمندنمودن نهادهای اجتماعی علی‌الخصوص نهاد خانواده تبعیت می‌کند.

این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی بدین نتایج دست یافت که تحقق عدالت اجتماعی تأثیر به سزایی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نواجوانان دارد و اسناد فرادستی و فرودستی به ویژه قانون اساسی و برنامه هفتم توسعه نیز بر ضرورت تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی تأکید نموده‌اند. همچنین ضمن برقراریِ تحلیل‌مند ارتباط مثبت بین عدالت اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بر این نکته تأکید دارد که علاوه بر پیشگیری‌های کنشی مبتنی بر عدالت اجتماعی، پیشگیری‌های واکنشی نیز جهت تکرار از بزهکاری اطفال و نوجوانان و نیز پاسخ‌گذاری‌های افتراقی و دادرسی‌های ویژه جزء لاینفک عدالت اجتماعی مبتنی بر رفتار کرامت‌مدار با نوجوانان بزهکار محسوب می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Aikaw D. Strategies for preventing and combating computer crimes. Translated by Estaraki A. 1st ed. Tehran: University of Police Sciences; 2006. [Persian]

2. Sayah A. The New Comprehensive Dictionary (illustrated Arabic-Persian). 9th ed. Tehran: Islam Bookstore; 1994. Vol.3 p.47; Vol.4 p.98. [Persian]

3. Parto A. Word Finder: Dictionary of Persian Equivalents of Foreign Words. Tehran: Asatir Publications; 1994. Vol.2 p.1139.

4. Nasiri H. Trilingual Legal Dictionary. Tehran: Majd Publishing House; 2023. p.58. [Persian]

5. Moein M. Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir Publications; 1988. Vol. p.2279. [Persian]

6. Tabatabaei. Tafsir al-Mizan. Translated by Mousavi Hamedani SMB. 7th ed. Qom: Islamic Publications Office; 1996. Vol.6 p.297. [Persian]

7. Aghabakhshi A, Afshari-Rad M. Political Science Culture. Tehran: Iranian Scientific Information and Documentation Center; 1995. p.317. [Persian]

8. Bashiriyeh H. History of Political Thought in the Twentieth Century. Part 25: Political Philosophy of John Rawls. Journal of Political-Economic Information. 1994; 81-82: 36-43. [Persian]

9. Freeman M. Human Rights. Translated by Keyvanfar M. Tehran: Hermes Publications; 2022. [Persian]

10. Madani Ghahfarokhi S, Zeinali AH. Pathology of Child Rights in Iran. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.68. [Persian]

11. Tabarsi F. Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Under the verse). Translated by Rasuli Mahallati H, Yazdi Tabataba'i F. Beirut: Ma'aref Publications; 1988.

12. Sabahi Garaghani M, Ranjbari A, Gholamhossein M. A reflection on the concept of equality in the Iranian legal system with an approach to transnational documents. Journal of Islamic Law. 2021; 22(1): 275-296. [Persian]

13. Yousefi AA, Karimi AA, Farahanifard S. Inequality in the Distribution of Public Resources; Fair Distribution of Anfal and Public Resources (A Case Study of Targeted Subsidy Plan). Islamic Economics Journal. 2018; 10(1): 65-82. [Persian].

14. Salahi J. Criminal Law of Children and Adolescents. Tehran: Mizan Publications; 2010. p.25. [Persian]

15. Keynia M. Fundamentals of Criminology. Tehran: Tehran University Press; 2019. p.25. [Persian]

16. Weld G, Bernard T, Snipes J. Theoretical Criminology (A Review of Criminology Theories). Translated by Shojaei A, Ashoori M. Tehran: Hoghughi Publications; 2008. p.101. [Persian]

17. Haji Dehabadi MA. The Relationship between Ethics and Criminal Policy (Master's thesis). Qom: Mofid University; 1999. p.139. [Persian]

18. Shahidi S, Bashirieh T, Saberi SM, Abbasi A. Investigating the effect of family economic status on sexual victimization of children and adolescents. Criminal Law and Criminology Research. 2023; 11(21): 233-257. [Persian]

19. Madani Ghahfarokhi S. Sociology of prostitution (study of social harms). Tehran: Parse Book Translation and Publishing Company; 2020. [Persian]

20. Golkhandan S. Relationship between Family Structure and Juvenile Delinquency (Field Study in Isfahan Correctional Center-2016). Journal of Criminal Law and Criminology. 2022; 10(19): 207-235. [Persian]

21. Niazpour AH. Crime Prevention. Tehran: Dadgostar Publication; 2024. p.93. [Persian]

22. Abachi M. Prevention of Delinquency and Child Victimization. The Judiciary Law Journal. 2004; 47: 49-86. [Persian]

23. Moazemi SH. Criminology of Children and Adolescents. Tehran: Dadgostar Publications; 2013. p.27. [Persian]

24. Ghayourinia P, Mirebrahimi SA, Ghorbani MA. Criminological analysis of the factors of juvenile and adolescent delinquency in Urmia city during the period 2011-15. Criminal Law and Criminology Research. 2022; 10(20): 177-207. [Persian]

25. Moazenzadegan HA. Special Criminal Procedure for Children in Iranian Law. Neda-ye Sadeq Journal. 2009; 9(33): 34-54. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.